



# قوانین کیفری در اسلام

قسمت دوم  
باغی

حجه الاسلام والمسلمین  
موسوی تبریزی  
دادستان کل انقلاب

بررسی جنونیت بعهده بگردد فقیه عادل جامع الشرائط باشد که ادارهٔ مملکت اسلامی را بعهده بگیرد لازم است که عموم مسلمین حمایت کنند و بیعت امام را نشکنند. که بیعت شکنی و خروج از اطاعت امام عادل و قیام علیه حکومت او بغی و معصیتی بزرگ است بنظر ما قول دوم با توجه به دلائل ذیل بهتر و بزرگتر بر صواب است.

۱- آیه شریفه ۹ سوره حجرات :

وَأَنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ... که دلالت دارد بر اینکه: هر طائفه و گروه یا سازمان از مسلمین علیه گروه یا طایفه‌ای دیگر از انسان بچنگند و یکی از آنها حق و عادل و صالح و دیگری ناحق و تجاوزگر و غیر صالح باشد اولاً باید دعوت به صلاح کرد و میان آن دو را اصلاح نمود و پس از دعوت به حق اگر گروه متجاوز به حق و صلاح کردن ننهادند طغیان و تجاوز خود ادامه داد و در برابر حرکت‌های حق و اسلامی گروه صالح تراز گرفت، باید با آن جنگید، و مبارزه سخت نمود تا برگردد دوبه قوانین و مقررات بحق اسلامی کردن نهند و یا کشته شوند و نابود گردند و در این حکم الهی

گفته شد: بیعت طرح استعماری "دورنگ دانستن مسلمانان از فرهنگ اسلامی" احکام اسلام (خصوصاً احکام کیفری و قضائی) در بین آنها بیگانه بود. شروع این بحث برای آشنائی با قضا در اسلام می‌باشد. بررسی عناوین را با توضیح عنوان "باغی" آغاز شد. باغی در لغت بمعنای ظلم و تجاوز و در اصطلاح فقها، شیعه به کسی یا گروهی یا سازمان مسلمانی اطلاق می‌شود که علیه امام عادل یا رهبری عادل خروج کنند...

\*\*\*\*\*

مسئله دوم - بعضی از فقهای بزرگ مانند علامه حلی در کتاب تذکره الفقهاء و شهید اول در لمعه و شهید ثانی در شرح آن فرموده‌اند که وقتی به گروه یا سازمانی اگر خروج کنند باغی گفته میشود که علیه امام معصوم خروج کنند ولی بسیاری از فقهای دیگر فرموده‌اند که حتی اگر علیه امام عادل مسلمین نیز خروج کنند باغی محسوب میشوند و محکوم بحکم باغی هستند و معصوم بودن رهبر و امام معتبر نیست بلکه اگر رهبریت مسلمین و

که از آیه استفاده میشود فرقی نمیکند که رأس گروه عادل و صالح امام معصومی بگیرد، یا امام عادل و ولی فقیه جامع الشرائط که رهبری امت را بعهده بگیرد و راهبان را از باطل تشخیص داده و بسوی حق و راستین رهنمون شود.

روایات زیادی که به مطلب فوق دلالت دارند و ما چند نمونه از آنها را نقل میکنیم

۱- تهذیب ج ۶ ص ۱۲۲ خبر ۲۶۶  
عن حفص بن غیاث قال: سَأَلْتُ عَنِ طَائِفَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا بَاغِيَةٌ وَالْآخَرَى عَادِلَةٌ فَهَزَمَتِ الْعَادِلَةُ الْبَاغِيَةَ فَقَالَ: لَيْسَ بِالْعَادِلِ أَنْ يَتَّبِعُوا مُدْبِرًا وَلَا يَقْبَلُوا أَسِيرًا لَا يَجِيزُوا عَلَيَّ جَرِيحًا وَهَذَا إِذَا لَمْ يَبْقَ مِنْ أَهْلِ الْبَغِيِّ أَحَدٌ وَ لَمْ يَكُنْ لَهُمْ فِتْنَةٌ يَرْجِعُونَ إِلَيْهَا فَإِذَا كَانَتْ لَهُمْ فِتْنَةٌ يَرْجِعُونَ إِلَيْهَا أَسْبَرَهُمْ يَقْتُلُ وَ مُدْبِرَهُمْ يَتَّبِعُ وَ جَرِيحَهُمْ يَجَارُ عَلَيْهِ.

روایت از امام صادق علیه السلام است که  
 حضرت عیاش یکی از اصحاب امام صادق (ع)  
 میگوید از ایشان پرسیدم در باره دو طائفه  
 که یکی ظالم و باغی است و دیگری عادل و  
 صالح است و با هم جنگیده‌اند و گروه عادل  
 طائفه ظالم را شکست داده است. آنحضرت  
 فرمودند: در صورتیکه همه گروه ظالم بپراکنده  
 و نابود شوند و کسی از سران گروه باقی  
 نمانده‌است فراریها را تعقیب نکنند و بازداشت  
 شدگان و مجروحین را نیز نکشند ولی اگر سران  
 سازمان و گروه باقی است و از بین نرفته‌است  
 و گروهی موجود است که کسانی که فرار میکنند  
 میروند با آنها وصل میشوند و دوباره بکار خود  
 یعنی ظلم، تجاوز و باغی مشغول میشوند. در  
 اینصورت فراریها را باید شدیداً تحت تعقیب  
 قرار داد و بازداشت شدگان و مجروحین از  
 آنان را باید کشت.

همانطور که مشاهده فرمودید در این روایت  
 مسئله امام معصوم مطرح نشده است. بلکه  
 گروه عادل و گروه باغی مطرح است و درگیری  
 بین آن دو و این روایت اگر چه از نظر سند  
 مورد اشکال و ضعف است لکن همه فقهای  
 بزرگ اسلام به تمامی مطالب و مفاد این روایت  
 عمل کرده و فتوی داده‌اند بطوریکه میشود  
 گفت اگر بنا باشد با اصطلاح فقها عمل فقها به  
 یک روایتی جنون ضعف سند آن روایت نکند  
 هیچ جای شک و شبهه در این روایت باقی  
 نمی‌ماند چون همه فقها اجماعاً به مفاد و  
 مضامین این روایت فتوی داده‌اند و مستند  
 آنان همین روایت بوده است

۲- تهذیب ج ۶ ص ۱۲۴ خبر ۲۲۹  
 عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ أَبِيهِ عَنْ أَبِيهِ  
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ لَمَّا قَرِعَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ  
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مِنْ أَهْلِ الشَّهْرَوَانِ قَالَ: لَا يُقَاتِلُهُمْ  
 بَعْدِي إِلَّا مَنْ هُمْ أَوْلَىٰ بِالنَّحْيِ مِنْهُ .

سکونی از امام جعفر صادق علیه السلام  
 نقل میکند که امام از پدر بزرگوارش و ایشان از  
 حدش نقل میکنند که علی علیه السلام هنگامی  
 که از جنگ با شهروانیها فارغ شدند فرمودند:  
 پس از من با اینچنین افراد (گروه مسلمان  
 و سازخوان متجاوز) جنگ نمیکند مگر اینکه

خودش از اینها نایستمر و بهتر باشد یعنی  
 گروهیکه عادل و اولی باشد برای حکومت و  
 بخواهند حرکتیهای اسلامی را شکل بدهند و  
 برای نجات مسلمین قیام کنند و قوانین الهی  
 و احکام مقدس قرآن را با آشنائی کامل با آن  
 پیاده کنند و قهراً رهبریشان کسی باشد که  
 آگاه به مسائل اسلامی و فقه اسلام و آشنایه  
 زمان و مسائل مملکتی باشد. مردمی به پیروی  
 از آن محکومتی را تشکیل دهند در برابر سر  
 اینچنین امئی اگر گروه نالایق و نادانی مانند  
 شهروانیها قرار بگیرند و با نادانیهای خود  
 امثال معاویه و عمرو عاص را در جامعه قدرت مند  
 بکنند و باعث پیشرفت آنان باشند باید سا  
 انها جنگید و آنها را براه حق دعوت کرد و  
 اگر نیامدند سارزه کرد. ولی اگر اینچنین  
 ناپستی در گروه اول نباشد و بخاطر همان  
 نداشتن لیاقت و علم و تقوی و عدالت علیه  
 آنان گروهی خروج کنند حق نداریم با آنها  
 بجنگیم که آنها در قیام خودشان حق هستند



۳- تهذیب ج ۶ ص ۱۲۵ خبر ۲۵۰  
 عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا  
 عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ كَانَ فِي قَوْمٍ عَلَى  
 عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَلَى أَهْلِ الْقِبْلَةِ بَرَكَةٌ وَكَانُوا  
 لَمْ يَقَاتِلْهُمْ عَلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يَدْرَ أَحَدٌ  
 بَعْدَهُ كَيْفَ يَسِيرُ بِهِمْ .

عبدالرحمن میگوید شنیدم از امام صادق  
 علیه السلام که میفرمود: در قتال و مبارزه

و جنگ علی علیه السلام در برابر اهل قبله  
 (مسلمانان نماز خوان) یک برکنی بود و آن  
 اینکه اگر ایشان با آنها نمی‌جنگیدند پس از  
 ایشان هیچکس نمیدانست که در برابر مسلمانان  
 و نمازگزاران متجاوز و باغی چه باید کرد. با  
 توجه باینکه در زمان رسول الله همچون جنگی  
 پیش نیامده بود و اولین جنگ که بیس دو  
 طائفه از مسلمین رخ داد که در یکطرف آن امام  
 معصومی قرار داشت جنگ جمل که یکطرف  
 طلحه و زبیر و عایشه با حدوداً ده هزار نفرو  
 یکطرف دیگر امیر المؤمنین علیه السلام با  
 عده زیادتری از امت اسلامی و مسلمین  
 قرار داشتند که علی علیه السلام پیروز  
 تبلیغ و دعوت حق و انجام حجت با آنان  
 جنگیدند و پس از کشته شدن طلحه و زبیر و  
 عده‌ای دیگر از سران، باقی متفرق گشتند و  
 عایشه را حضرت به مدینه فرستاد یعنی  
 همانطوری که در روایت اول گفته شد حضرت  
 عمل نمودند و ما از این روایت می‌فهمیم  
 یعنی فرمایش امام صادق صراحت دارد که  
 عمل و روشی که علی علیه السلام در برابر  
 آنها اتخاذ فرمودند برای مسلمانان آینده  
 أسوه و الگو باید باشد و طبق آن عمل کنند و  
 اگر نبود ما نمیدانستیم چه باید کرد.

تهذیب ج ۶ ص ۱۲۵ خبر ۲۵۲ روایت چهارم  
 سکونی از امام صادق علیه السلام نقل  
 میکند از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام  
 که فرمودند هنگامیکه از حضور مبارک علی (ع)  
 از جنگ با حروریه سؤال شد فرمودند:

إِنَّ خَرَجُوا عَلَى إِمَامٍ عَادِلٍ أَوْ جَمَاعَةٍ تَلُوهُمْ  
 وَ مِنْ خَرَجُوا عَلَى إِمَامٍ جَائِرٍ فَلَا تَقَاتِلُوهُمْ فَإِنَّ  
 لَهُمْ فِي ذَلِكَ مَقَالًا .

یعنی اگر در برابر امام عادل و با گروهی  
 از مسلمانان صالح و عادل قیام کردند و به  
 سبب برخاستند با آنان بجنگید و مبارزه کنید  
 و اگر در برابر امام و رهبری فاسق و ظالم  
 قیام کردند و با با قوم و گروه ستمگری جنگیدند  
 هرگز با آنان نجنگید برای اینکه آنان در قیام  
 خود توجیهی دارند و دلیلی دارند که مورد  
 قبول و بحق هست. یعنی مبارزه با ظلم و  
 ظالم میکنند و این خود یکی از فرائض بزرگ



اسلامی است .

و این روایت از روایات قبلی نیز روشنتر است و قاعده و قانون کلی را ترسیم میکند که با هر گروه ظالم و متجاوز که در برابر امام عادل یا گروه و امتی صالح و عادل قیام کنند باید جنگید و جلوی تجاوز را باید گرفت و همانطور وصیتنامه معروف امیرالمؤمنین (ع) که فرمودند : **كُونُوا لِلظَّالِمِ حَصًّا وَلِلْمُتَّقِلِ مَعُونًا** و روایات زیادی در این زمینه که نقل آنها بطول میانجامد و دلیل عقلی نیز میشود اقامه کرد که از روح اسلام و قرآن استفاده میکنیم که باید در جامعه نظامی باشد و برای تنظیم امور جامعه مدبری لایق لازم است که طبق مقررات اسلامی و قوانین قرآن باید مملکت اسلامی را اداره کند و حکومت اسلامی و استقرار

## بودن معصوم در رأس گروه حق شرط باغی بودن گروه ناحق نیست با امام عادل جنگیدن نیز در حکم جنگ با امام معصوم است

آن منحصر به زمان معصومین علیهم السلام نیست بلکه باید حکومت اسلام در هر زمان و مکان استقرار یابد و نمیشود مگر اینکه با کسانی که در برابر این حکومت و حرکت‌های اسلامی

مسلمین قرار میگیرند مبارزه کرد و جنگید تا در برابر حق تسلیم کردند و بالاخره دلیل عقلی و نقلی اعم از آیه شریفه و روایات قطع یقین میآورند در اینکه مبارزه با باغی منحصر زمان معصوم علیه السلام و حکومت معصوم نیست و در هر زمان حق و باطل در سراسر همدیگر قرار گرفته و هر دو طرف مسلمان بودند یکی عادل و دیگری باغی محسوب میشود و باید با گروه باغی جنگید تا با کشته شوند و با

حق گردن نهند . همانطور که قرآن کریم در آیه دیگری میفرماید : **وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ** در مورد کفار نازل شده است لکن شامل همه گونه فتنه ها میشود و لذا مرحوم شیخ طوسی (ره) در نهجایه و دیگر کتابهایش و مرحوم محقق (ره) در شرایع و شهبذ ثانی (ره) در سالک و علامه حلی (ره) در قواعد و مرحوم محقق کرکی در جامع المقاصد و صاحب جواهر در کتاب جواهر و مرحوم مقدس اردبیلی در آیات الاحکام و فاضل جواد کاظمی در کتاب بالک الافهام و دیگران بطوریکه گاهی ادعای اجماع شده است که بودن معصوم در رأس گروه حق شرط باغی بودن گروه ناحق نیست و با امام عادل جنگیدن نیز در حکم جنگ با امام معصوم است اگر چه فرد اکمل و اتم و مصداق روشن و بارز امام معصوم (ع) باشد ، بنظر ، مسئله کاملاً روشن و واضح است و بیش از این در این جهت ما اطاله در سخن را لازم نمیدانیم ، خوانندگان محترم میتوانند به کتابهای فوق الذکر در صورت امکان مراجعه فرمایند .

ادامه دارد



### بقیه انتخابات . . . .

قانون الهی رهبری نماید و از این جهت در درجه اول لازم است از همه افراد بیشتر و بهتر به متن قانون الهی آگاہ و از آن مطلع باشد و بتواند با بصیرت کامل مردم را رهبری کند . از رسول خدا (ص) نقل شده که فرمود : هر کس بدون داشتن علم به عمل بپردازد افساد او بیشتر از صلاح او است ( و بجای اینکه جامعه را رو به رشد و صلاح ببرد آنها را به انحطاط و نهای میگذاند ) و از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود : کسیکه بدون بصیرت و بینش صحیح عمل کند مانند کسی است که در بیراهه سیر مینماید ، هر قدر سیر او سریعتر باشد از مقصد دورتر میشود . ( جامع احادیث ، باب علم )

و جای تردید نیست که هر کسی از خصوصیات قوانین آگاہ تر باشد بهتر میتواند رهبری کند . در نهج البلاغه از علی (ع) نقل شده که آن حضرت فرمود : سزاوارترین مردم با امر امامت کسی است که بر اداره امور توانا تر و بدستورات خدا دانای تر باشد .

**(إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِمْ وَأَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ)** سر حسب اعتقاد شیعه و اقرار بسیاری از دانشمندان عامه ائمه معصومین از اهل بیت رسول خدا (ص) دانشمندترین مردم و آگاہترین همه بقوانین اسلام ، و صالحترین افراد بوده اند ، و از این جهت لایقترین فرد برای مقام امامت و رهبری بودند . و این یک اصل صحیح عقلانی است ، و هر عاقلی میپذیرد که سزاوارترین فرد برای مقام رهبری در هر مکتب ، آگاہترین مردم بقوانین آن مکتب و صالحترین آنهاست ، و بهمین دلیل بنا بر مبنای بسیاری از فقهای شیعه و صریح قانون اساسی ، ولایت امر و امامت امت در زمان غیبت امام معصوم بر عهده فقیه واجد شرائط است زیرا فقیه از افراد دیگر بقوانین اسلام آشناتر و بر دستورات خداوند آگاہ تر است . ادامه دارد